**مقياس کنترل راتر (دروني – بيروني)**

پرسشنامه زير براي سنجش انتظارات افراد در منبع کنترل تدوين شده است، که داراي 29 ماده که هر ماده داراي يک جفت سئوال (الف و ب) مي باشد. از آزمودني خواسته مي شود بين هر جفت سئوال يک ماده يکي را انتخاب کند و علامت زده واضح است اين انتخاب بر اساس اعتقاد عميق و روشن آزمودني خواهد بود.

راتر 23 ماده از مواد اين پرسشنامه را با هدف مشخص، جهت روشن شدن انتظارات افراد درباره منبع کنترل تدوين کرده و 6 ماده ديگر هدف آزمون را با لباس مبدل  دنبال مي کند که اين ماده هاي خنثي ساختار و بعد اندازه گيري شده را براي آزمودني مبهم مي سازد.

سئوال هاي 24، 19، 14، 8 و1 و 28 سئوالاتي هستند که آزمودني را از مدار اصلي و هدف آزمون منصرف مي سازند. نمره گذاري آزمودني مبني بر مجموع نمرات حاصل از تعداد ضربدارهايي است که آزمودني در مقابل سئوالات مشخص کرده است.

اين مجموع نمرات از سئوالاتي به غير از 6 سئوال انحرافي بدست خواهد آمد و کل نمره هر فرد نشان دهنده درجه و ميزان کنترل او مي باشد. ميانگين اين مقياس 84/8 و ميانه آن 8 مي باشد.

در 23 ماده اي که جهت نمره گذاري تعيين شده اند سئوالات (الف) يک نمره و سئوالات (ب) صفر نمره مي گيرند چون کل نمره هر فرد نشان دهنده نوع و درجه منبع کنترل افراد مي باشد بنابراين تنها آزمودني هايي که نمره 9 يا بيشتر بگيرند واجد منبع کنترل بيروني و افرادي که نمره کمتر بگيرند داراي منبع کنترل دروني خواهند بود.

**بسمه تعالي**

**اين پرسشنامه داراي 29 مورد دو جمله اي مي باشد، خواهشمند است جمله هاي هر مورد را به دقت بخوانيد و با هر کدام که موافق هستيد علامت بگذاريد لطفاً براي بدست آوردن نتيجه مطلوب از اين قسمت جملات مورد نظ خو را با کمال صداقت انتخاب کنيد.**

**جنس         سن       تاريخ ازدواج       ميزان تحصيلات         تعداد فرزندان**

**1- الف: علت اينکه کودکان دچار گرفتاري مي شوند اين است که پدر و مادرشان بيش از اندازه مجازاتشان مي کنند.**

**ب: امروزه گرفتاري بيشتر کودکان به اين دليل است که پدر و مادرشان بيش از حد با آنها با ملايمت رفتار مي کنند.**

**2- الف: بسياري از رويدادهاي ناخوشايند در زندگي مردم تا اندازه اي به علت بدشانسي است.**

**ب: بدبياري هاي مردم نتيجه اشتباهات خود آنهاست.**

**3- الف: يکي از دلايل عمده بروز جنگ ها اين است که مردم آنقدر که بايد به امور سياسي علاقه مند نيستند.**

**ب: هر قدر هم که مردم براي جلوگيري از جنگ بکوشند،باز هم جنگ وجود خواهد داشت.**

**4- الف: سرانجام مردم به احترامي که شايسته ايشان باشد دست مي يابند و این شاید مدتها طول بکشد.**

**ب: بدبختانه بيشتر اوقات ارزش يک فرد هر قدر که بکوشد نامعلوم مي ماند.**

**5- الف: اين عقيده که معلمان نسبت به دانش آموزان خود بي انصافند بي معني است.**

**ب: بيشتر دانش آموزان نمي دانند تا چه اندازه در نمره اي که در دروس خود مي گيرند زير رويدادهاي تصادفي است.**

**6- الف: اگر فرصت هاي مناسب و به موقع دست ندهد کسي نمي تواند رهبري کاروان شود.**

**ب: افراد توانايي که از رهبر شدن باز مانده اند، کساني هستند که از فرصتهاي مناسب استفاده نکرده اند.**

**7- الف: هر قدر که سعي خودمان را بکنيم باز هم بعضي ها از ما خوششان نمي آيد**

**ب: افرادي که نمي توانند کاري بکنند که مورد علاقه ديگران قرار بگيرند راه ساختن با ديگران را بلد نيستند.**

**8- الف: در تعيين شخصيت هر فرد وراثت سهم عمده اي دارد.**

**ب: آنچه شخصيت يک فرد را مي سازد، تجارب او در زندگي است.**

**9- الف: اغلب به اين نکته پي برده ايم که هر چه قرار است اتفاق بيفتد، اتفاق مي افتد.**

**ب: هر وقت خود تصميم گرفته ام راه مشخصي براي اقدام انتخاب کنم خيلي بهتر از تسليم شدن به سرنوشت بوده است.**

**10- الف: اگر دانش آموز خودش را براي امتحان خوب آماده کرده باشد به ندرت ممکن است حقش در امتحان پايمال شود.**

**ب: بيشتر اوقات سئوالات امتحان تا اندازه ايي با درس سالانه بي ارتباط است که درس حاضر کردن و اقعاً بي فايده است.**

**11-الف: موقعيت حاصل سخت کوشي است شانس در آن بي اثر يا بسيار کم اثر است.**

**ب: شغل خوب گير آوردن در درجه اول بستگي دارد که در فرصت مناسب درهاي مطلوب باشد.**

**12- الف: فردي که داراي شرايط متوسط فردي و اجتماعي است مي تواند در تصميم گيري دولت موثر باشد.**

**ب: دنيا در اختيار عده معدود صاحبان بندرت است از آدم خرده يا کاري ساخته نيست.**

**13- الف: هر وقت براي انجام کاري نقشه مي کشم تقريباً تعيين دارم که مي توانم آن را عمل کنم.**

**ب: هميشه عاقلانه نيست که براي آينده دور نقشه بکشيم چون خيلي چيزها در حال حاضر دستخوش خوش بياري و بدبياري هستند.**

**14- الف: عده معيني از مردم هيچ حسي ندارند .**

**ب: هر کس خوبيهايي دارد.**

**15- الف: براي من بدست آوردن چيزهايي که خواستارشان هستيم ربطي به بخت و اقبال ندارد.**

**ب: خيلي وقت ها تصميم گرفتن با شير يا خط (شانسي) هم بد نيست.**

**16- الف: رئيس شدن اغلب به اين بستگي دارد که شانس ياري کند و شخص قبل از هر کس ديگر در شرايط مناسب قرار گيرد.**

**ب: واداشتن مردم براي انجام کار درست به توانايي افراد بستگي دارد نه شانس و اقبال.**

**17- الف: تا آنجا که به رويدادهاي دنيا مربوط مي شود بيشتر ما قربانيان نيروهايي هستيم که نه مي شناسيم و نه مي توانيم بر آنها چيره شويم.**

**ب: با شرکت فعالانه در امور سياسي و اجتماعي مردم مي توانند بر رويدادهاي جهاني نظارت کنند.**

**18-الف: بيشتر مردم مي دانند تا چه زندگي شان تحت اختيار رويدادهاي تصادفي است.**

**ب: در واقع چيزي بنام «بخت» وجود ندارد.**

**19- الف: آدم بايد هميشه به اشتباه خود اعتراف کند.**

**ب: بهتر است روي اشتباهاتتان سرپوش بگذاريد.**

**20-الف: مشکل مي توان فهميد کسي واقعاً از ما خوشش مي آيد يا نه.**

**ب: تعداد دوستان يک فرد بستگي به ميزان خوب بودن او دارد.**

**21- الف: بالاخره ميان رويدادهاي خوب و بد که براي ما رخ مي دهد تعادل برقرار مي شود.**

**ب: بيشتر بدبختي ها حاصل عدم توانايي، ناداني، تنبلي يا نتيجه هر سه آنهاست.**

**22- الف: با کوشش کافي مي توان فساد سياسي را از ميان برد .**

**ب: نظارت زياد مردم روي فعاليت سياست مداراني که بر سرکارند دشوار است.**

**23- الف: بعضي وقت ها از طرز  نمره دادن معلمان سردر نمي آوريم.**

**ب: ميان درس خواندن و نمره گرفتن رابطه مستقيمي است.**

**24- الف: رهبر خوب کسي است که بگذارد خود مردم براي کار خود تصميم بگيرند.**

**ب: رهبر خوب کسي است که تکليف هر کس را معين کند**

**25- الف: بيشتر وقت ها احساس مي کنم روي حوادثي که براي من اتفاق مي افتد کنترل کمي دارم.**

**ب: امکان ندارد باور کنم بخت و اقبال در زندگي من سهم زيادي داشته باشد.**

**26- الف: دليل تنهايي مردم اين است که سعي نمي کنند با ديگران دوستي کنند.**

**ب: سعي زياد از حد براي خوشايند مردم چندان فايده اي ندارد. اگر قرار است از آدم خوششان بيايد خوششان مي آيد.**

**27- الف: در مدرسه براي ورزش خيلي اهميت قائل مي شوند.**

**ب: ورزش هاي گروهي براي پرورش شخصيت فرد يک روش عالي است.**

**28- الف: هر چه سرم مي آيد نتيجه کار خودم است.**

**ب: بعضي وقتها احساس مي کنم که روي مسير زندگي ام کنترل کافي ندارم.**

**29- الف: بيشتر وقتها نمي توانم بفهمم که چرا سياستمداران اينطور رفتار مي کنند.**

**ب: دست آخر خود مردم مسئول نوع حرکت ملي يا محلي خودشان هستند.**